Subject:..... Date:.....

موضوع: زبان فارسی

استاد: سرکار خانم

Subject:..... Date:.....

Subject: 1 Date:

زبان چیست ؟ ساخت زبان

- نوعی از توانایی شناختی و آگاهی شناختی: اصلاً چیزی شبیه قواعد دستوری است
- تحلیل کردها (analyies)
- اصطلاح شناسی

زبان چیست ؟
مجموعه‌ای از آواها در حافظه‌ی جمعی زبان‌ها

۲ آن بخش مشخص زبان در ذهن است : Main talist یا ذهنیت
۱ آن بخش مشخص زبان در حافظه‌ی آن جامعه است . که به صورت یک ذهنیت (Form) مشترک در ذهن همه هست.

گروه دوم تجربه‌ای به نام حسی یا ذهنیت‌ها هستند تا مشخص کند زبان را از چه اجزایی به اسم form ولی از جایی که تجربه‌گراها فکر زبان در حافظه‌ی یک جامعه و ذهن آن‌ها فکر در ذهن هست مخالفت می‌کنند.

- اجزای سازنده زبان « نشانه » یا Sign

نشانه: علامتی که چیزی را در ذهن آن یادآوری می‌کند. و یا چیزی که خودش را آن نشان دهد
نشانه ۲ نوع است و با هم تفاوت کاربرد دارند.
۱. نشانه قراردادی : نشانه‌های زبانی
۲. نشانه طبیعی : برای خصوصیت‌های طبیعی مثل پرنده، آه، دم آدم گذاشته شود

Subject: ۲ Date:

زبان‌های زنان جنسیت‌دارند یا خیر؟

جنسیت‌دارند. به دو دلیل:

۱. همه زبان‌های جنسیت دارند

۲. عدم انطباق جنسیت‌های دستوری در زبان‌ها متفاوت. تمام نگارش در فارسی ۲ گانه جمع یکسان ولی در عربی ۳ گانه.

در عربی و فرانسه جنسیت برای اسم‌ها مشخص است ولی در فارسی جنسیت ندارد.

غلب زبان فارسی برای احترام اسم‌ها جنسیت تداعی می‌دهد ولی در عربی می‌دهد.

سوال:

- زبان اساس زبان فارسی متعلق به است یا عربی و انگلیسی؟

زبان فارسی

زبان آینه ذهن

form / meaning

دو بعد و یا جنبه شاخه:

۱. صورت: Form ۲. معنی: meaning

- برای صورت متعلق می‌شه ← Formalist صورت‌گرا

- برای معنی می‌شه ← Functionalist نقش‌گرا

تفاوت برای صورت:

در جمله‌ی اسمی هم زبان واحد است برای صورت یکی و گاهی اوقات برای نقش و معنی

کتاب: کردن ابزار صورت

ذهن: صورت زبانی

Subject: ۳ Date:

صورت یا شانه‌ها زبان ماری است یا ذهنی ؛ انتزاعی : ذهنی
ذهنی : وقتی بکسی یاد می‌شود نقد ولی ما الان متکلم زبان .

۳ نوع زبان - حوزه‌ی نطق ۱ زبان

مرزبری /pærzendeɾi/ و /gæp/
زبان آزمایش دوم تو یاب باهم حق دارند مرزبری بدهند . یا بعث خوب بود شد مرزبری دوم نشد .
صداهای لبی ؛ چون موقع گفتن اینها لب بسته می‌شود . p، b، b

* این حرف‌ها و صداها تا یاد گرفته نشده و تو ذهن نیستند
ولی هر ذهن نیستند زبان ← /b/* → /b/ /b̥/ /ɓ/
اینها توزین واقعی‌اند .

واج یا phoneme : /b/* انواع شناسی ← فنالوژی (phonology)
* phone آوا : آوا شناسی ← phonetics

خلاصه :
زبان از یک سری شانه درست شده ، شانه‌ها قراردادی‌اند ، در ذهن قرارداریم .
و در بعد داریم . ۱ معنا ۲ صورت Form
هر گز هر بعد هیچ زبان را توقف کرد .
۱۹۱۳ ← شروع زبان شناسی
زبان‌شناسی ← علمی که در زبان آغاز می‌شود ← از زبان شروع می‌شود .

Notebook SEVAN

Subject:.....۴..... Date:.....

زبان:
تمامی از نشانه‌ها محدود و تعداد نامحدودی جمله تولید می‌کنند.
از صورت‌های زبانی برای زبان را بررسی کرد.

واج:
از تقابل نقش در زبان به کوچکترین واحد زبانی که خود معنی ندارد ولی باعث تغییر در معنی می‌شود.

مثال: /p/ ، /æ/ ، /r/ ، /s/ ، /t/
/pær/ ≠ /sær/ ≠ /tær/

برای تعریف واج باید بگردیم تا کلمه‌هایی پیدا کنیم و فقط واج‌هایشان متفاوت و نه معنی شود.

واج:
خانواده‌ای از صداها (صوت زبان) شبیه هم که توزیع خوب و قاعده‌ای دارند و در واقع همگی به یک صدا مربوط می‌شوند.

مثال: /b/ ، /bʰ/ ، /p/ ، /ɓ/
[b] [bʰ] [p] [ɓ]

از بین واج‌ها تشخیص دهیم:
از روی معنی یا شنیدن صدا نمی‌توانیم واج را از صوت‌ها جدا کنیم.

واج → /b/
[b] ، [bʰ] ، [p] ، [ɓ]

- گروهی از نوی یک زبان به هم شبیه می‌شوند واج نیستند.

Subject: ۵/ Date: Look for Success!!! Look for Success!!!

تعریف Functionalist ها:
نظامی از نشانه‌ها که برای برقراری ارتباط و تبادل معنا بین اعضای یک جامعه‌ی زبانی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

آیا از ابتدا زبان را اینگونه بررسی می‌کردند؟
بله، تقریباً همین‌گونه بود. چون از آواها، واج‌ها صحبت کنند.
که مشکلش این شبیه مشل بود ← یعنی حروف یا صداها یکی می‌کردند که به آن دستور سنتی می‌گویند.
- اشتباه بزرگ دانشمندان قدیمی این بود که لاتین محلش نخت.

آیا علم بررسی زبان تکمیل شده؟
نه هنوز.
اگر این اتفاق می‌افتاد همه‌ی ما این ترجمه را داشتیم.

چرا ما پایان‌نامه و مقاله داریم؟ چون نظریه علمی نداریم.

آیا زبان یک نظامی است که از نظام‌های فرعی درست شده یا نظام‌های فرعی روی آن عمل می‌کنند؟

نظام مجموعه‌ای از اجزاست که برای یک هدف خاص و با نظم و هماهنگی عمل می‌کند.
زبان هم یک نظام است که برای آن هدف خاص کنش انجام می‌دهد.

چه اجزایی یک نظام را می‌سازند که بتوانیم بگوییم زبان یک نظام است؟ یکی کنش‌ها و واحدهای زبانی.

Notebook SEVAN

Subject: 4 Date:

مباحث زبان فارسی ۲، جلسه‌ی ۲ ← ۱۱،۲۴

زبان به بازی شفاهی تبدیل شده است.

ویژگی‌های زبان گفتار:

۱- تغییر زبان را در تقطیع می‌گویند. مثال: یکی از تغییراتی که در حال بود، آشنا گویند تلویزیون بود. ولی الان به آدم جاسوس نیز می‌گویند.

تغییر در واژه‌ها مثل: /gôvahiname/ ← /gæ̂vahiname/

۲- بعضی از لغات تمایل حذف دارند، مثل: کسی حاضر نیست صرفاً برای این‌که حرف بزند ولی در حال به حرف شنود.

۳- واژه‌های زبان تمایل دارند گفتار و نوشتار را در تقطیع نمایند و اتفاقاً در نوشتار بیشتر تغییر می‌کنند. در صورتی که تمام اول گفتار می‌باشد بعد نوشتار. تقریباً تمام مثال‌های صدبته زبان صورت پیوسته خلاصه‌ی (چند از دادهای نوشتاری گرفته‌اند.

مثل: گفتاری می‌گوییم: «پرتقال پوست نازک» ← پرتقال را پوستش را بکن.

«چایو داغشو دوس دارم» ← چای را داغش را دوست دارم.

«نگان» ← گفتن * «ختم خونه» ← خونه رفتن

* در فارسی حتماً باید فعل در آخر بیاید در صورتی که در گفتار ممکن است اول جمله فعل می‌آید.

۴- تقلیدی هستند.

- از ویژگی‌های زبان‌های زنده تقلید می‌شود.

- تقلید از ویژگی‌های زبان عربی برای زبان فارسی، تقلید از دانشی زبان‌ها مثل فرانسه حتی بعضی تقلیدها را که نوشتن انجمن عربه و بعدها بس دستور غرب.

۵- گویشی بودن:

- مهم‌ترین زبان معاصر ← زبان انگلیسی

- مهم‌ترین هفتم ← زبان ... می ← فارسی

Subject: V Date:

پس جلسه ماقبل در ۱۹ ...

- فردی به اسم دوسوسور تعدیل مفاهیم زبان را تقسیم کرد به دو شاخه ۲ گانه .

* مفاهیم دو گانه دوسوسور را نام ببرید ؟؟ قبلان دوسوسور

زبان شناسی درزمانی ← بحث تاریخی و بررسی زبان (گذری ۴ سال تدریس دوره زبان شناسی محوری ← اگر تلاش کنید چیزی تا آنرا دانش بود .

- کدام مهم تر دوگانه هست .

۱. اولین دوگانه زبان شناسی درزمانی (diachronic linguistics) در برابر زبان شناسی هم زمانی (synchronic) .

تفاوت این دو زبان شناسی ؟؟

* - هر زبان شناسی درزمانی به بررسی رخدادهای زبان در طول زمان می پردازند یعنی با تغییر آن زبان سروکار دارند .

مثال : تغییر آ آوایی زبان فارسی دوره باستان به فارسی امروز ← تغییرات آوایی خطی بیشتر صورت می گیرند . /a/ > /o/

* زبان شناسی هم زمانی ؟

به بررسی زبان در یک مقطع زمانی خاص زبان شناسی هم زمانی می گویند .

مثلاً ؟

زبان فارسی دوره صیانی ما ← زبان آنقدی که الان آنرا

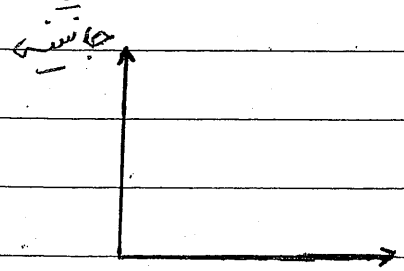
هر زبان شناسی توین ؟

سوسور این دو مفهوم را بعد قائل می شوند ؟ بین هم زمانی و درزمانی . در نتیجه ایرادی که به دوسوسور مستشرقان گرفته شد به وجود نخواهد آمد .

Note book SEVAN

قوانین جانشینی و هم نشینی:

اول قوانین جانشینی زبان در برابر قوانین هم نشینی زبان که دو سویه متفاوت محور اتصال محور انتخاب (syntagmatic) محور ترتیب (paradymatic)




زبان در دو حوزه است ۱، ۲ بدوار است به این معنا که کاربران زبان واحدهای زبانی را از روی محور جانشینی انتخاب کرده و بر روی محور هم نشینی ترتیب قرار می دهند و زبان ایجاد می شود بر این واحدهای انتخابی از روی محور جانشینی می تواند جانشین یکدیگر شوند و فقط در اینجاست که واحد زبان نمی تواند جاهای واحدهای زبانی قرار گیرد و در عین حال هر واحد زبانی نمی تواند در جاهای زبانی قرار گیرد.

یعنی چه هر واحد جانشینی و چه هم نشینی محدودیت هایی برای اینها وجود دارد.

مثلاً:

نقشه یعنی «من خانه ای» نمی «من خانه ای»

تعریف تفاوت هم قرار می شود:

Embodyment ← این ویژگی به تجربه ی بدن انسان و تعامل با زبان نه تفکر خود ما.

تفاوت بین گفتار و زبان:

Language ↙ ↘ Speech

Subject: 9 Date:

۱ گفتار زبان روشهای مشاهده تفاوت بین سخن و زبان آنها ...

- دانشمند: همه چیز نقش باهامه زبانا می آید، خدا را بد.
- زبان خارجی: فعل در پایان جمله ولی در زبان انگلیسی نه.

گفتار: اول در ذهن شکل می گیرد. / بخش بیرون فعل
تعریف قدری دارد. / تعریف نکرد.

۲ زبان در ذهن و گفتار چه هست که تفاوت زبانی می گویند. به لفظ درآمده به اجرا درآمده توانش زبانی است.

ماری Language زبان کار می کنم.
گفتار: بروز است به خواص زبانی است. چه می شود Internal language

ساخت زبان جلسه ی سوم:

علم زبان شناسی: ۱ ماهری ۲ نظری

هم زبان شناسی هم زبان آموزی نوری دارد، چون هر زبانی در بافت فرهنگ خودش نقش پیدا می کند.

چون در جامعه خارجی زبان تفاوت نوع زبان را حل کرد. هم مسئله نیست. به لحاظ جامعه شناختی که در مورد جنس مذکر و مؤنث صحبت می کنیم نشان می دهد فرهنگ پشت دارد.

زبان شناسی پیکره ای: Corpus Linguists

واحدهای زبانی → جامعه شناسی
جنسیت

محدود: ما واژه ها محدود در ذهن هست اما محدود.

Subject: ۱۰ Date:

واحدهای زبانی مربوط به واحدهای جهشی

بعضی محدودیت‌ها اجازه می‌دهند واحدها کنار هم قرار بگیرند محور جهشی محدودیت‌هایی برای محور جانشینی اعمال می‌کند.

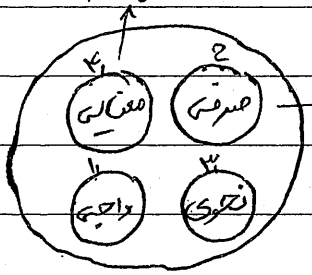
- واحدهای مربوط به محور جانشینی می‌توانند جایگزین هم شوند ولی اگر بخواهند واحدها را ترکیب کنند و در محور همنشینی محدودیت‌هایی به آن‌ها اعمال می‌کند که اجازه نمی‌دهند هر دو واحدی از محور جانشینی کنار هم قرار بگیرند و فقط بعضی از جهشی‌های واحدهای محور جانشینی جایز می‌آید.

- زبان زبان اول جهش پس عوض کردنی نیست به پوشک خیلی سخته ولی پوشک آردوئه زبان دوم.

- نشی دقتی به اجزا در صدا. شی در ذهن رخت و زبان را بررسی کرد ولی خیلی سخته.

- هدف اصلی بررسی زبان حوزه واژه‌های زبان است.

زبان یک نظام که از چند نظام فرعی تشکیل شده است؟




نظام فرعی زبان: ۴ نظام فرعی

۱. نظام واجی ← phoneme واج

واج‌شناسی: phonology

۲. نظام ساخت واژی ← تکواژ morphen

صرف: morphology

۳. نظام نحوی: (جمله‌ای) syntax → syntactic

۴. نظام معنایی: واحدهای معنایی ← Semantic

Subject:.....

Date:.....

نظام های صرفی زبان را نام ببرید و واحدهای تشکیل دهنده هر کدام را بنویسید؟

۱. نظام واجی - واج شناسی

۲. نظام ساخت واژی - صرف

۳. نظام نحوی - گروه های نحوی

۴. نظام معنایی - واحدهای معنایی - یا group/phorse و هر واژ.

چرا خود کلمه نظام معنایی را نوشتیم چون هنوز اختلاف نظر داریم وقتی نحو اهم از زبان جدید شروع کنیم خواندن ابتدا به نظام واجی میرسیم یعنی واج ها را مطالعه می کنیم.

واحدهای صرفی خیلی زیاد هستند. و واحدهای نحوی خیلی کم هستند شاید ۱۰ تا.

در حوزه واج شناسی به طور کلی ۳ کار انجام گرفته است که ما هم انجام میدهیم:

۱. ارائه فهرست از واج های زبان مورد بررسی

۲. تبیین چگونگی تاثیر گذاری و تاثیر پذیری واج ها

۳. واج ها وقتی در کنار هم قرار می گیرند یک سری هم تاثیر می گذارند. ← واج آرایی: phenotractic

۴. بررسی تاثیر واج های مختلف بر یکدیگر ← phendogical process (فرایندهای واژی)

Consunant: حرف هم خوان

در فارسی غیر از چند تا حرف بی صدا و در کنار هم قرار گرفته اند و پرانگی می شوند.

واج چیست؟

واج تصور آوایی، واج هاذهنی هستند.

کوچکترین واحد زبانی که خود به تنهایی معنا ندارد ولی در تغییر معنا می‌شود.

مثال: معنی اتمه فاصله /sɛt/ روا/ع/ در صدای p را بنویسیم میشه /pɛt/

حرف b=p هردو صوت‌اند و تنها رسا بودن و نبودن ملاک است ولی در p نه

/p/
[p] [pʰ] [pʰ] [pʷ]

* وقتی در کروشه [] آمده است ولی در اصطلاح واج هستند

[ræsb] /ræsb/
voicing

واج:
یک تصور ذهنی از صداهاست.
آخر کلمه‌ی اسب را اس خوانده می‌شود ولی مکتوب است
چون واج ذهنی و توزیعی است

- در زبان عامیانه /ph/ واج است
چون صوتی تقریبا نقش‌گرا هیچ تغییر ذهنی نمی‌شود

زبان اصلا تصویر ذهنی است

- زبان چهره است (ذهنی) ولی speach که لفظ برآمده
[pʰ] → p در صدا شکل گرفته

در زبان فارسی حدود صدا واج است ۲۵ و در انگلیسی ۴۳ تا می‌باشد

واک ← ارتعاش تارآواها ← voiced با حروف صدادار

- سوال ۱: سه ویژگی برای همه هم خوان‌ها ص ۳۶ کتاب
- شیوه‌ی تولید، جایگاه تولید، ارتعاشات تارآواها.

| |
|---|
| +fricative |
| +Alb-dental |
| -vd |

چگونه توصیف هم خوان‌ها؟

برای توصیف لازم است جایگاه تولید و شیوه‌ی تولید و وضعیت تارآواها از نظر به ارتعاشات درآمدن و یا برعکس مشخص کنیم.

برای مشخص و اکرها چیکار کنیم؟

برآیند خروج آداها و صدا ← هم‌خوان ← ۱) جایگاه تولید ۲) شیوه‌ی تولید ۳) ارتعاشات تارآواها

واکه ← مسیر گردش هوا تقریباً باز

حجم دهان
بخش فعال زبان
شکل لب

شکل لب: گردی (±round) (±rnd)

بخش فعال زبان: پس (±back) (±bk)

حجم دهان: افراشتگی (±high) (±hi)

| | | |
|---|---|---|
| i + | | + u |
| e ± | | ± o |
| æ - | | - a |

+ → pluss
- → mines

[a] → [-hi, +bk, +rnd]

Subject: ۱۵ Date:

International phonetic Association

(APA)

(IPA)

American

- در این سایت به کمک ما تلفظ درست می‌گوید

- واژه‌ها را از نظر بین المللی

واج نویسی کردن :

- تلفظ دارد - به تلفظ واژه‌ها دقت کنید - به صورت لزوم برای مقاله نگارش می‌کنید عمدتا به نکته به فرض توجه می‌کنید به تلفظ های درست و صحیح واژه‌ها

-/Tæmayozhaye tæfkye dar_bi tæfkye væ kotah_væ kotahbolænd ke..mæjbor bodæm bæraye moGayese æsar mæs væ Ček ?æmiGæn be ?inha bepærdazæm. tæ væzjfohe mæra be tæGabolhaye do saye mæPfot saxt./

* تمرین صورت ما تابع تلفظ درست واژه‌ها می‌باشد.

ع صدای → ʿ

غ " → ɣ

خ " → x

ج " → ǰ

ش " → š

ا " → æ

گ " → G

Notebook SEVAN

همچنان اصلی زبان مک یعنی p دولبی، t دندانی، k کاف و ' همزه
که در دری ما نیز موجود است از نظر تولیدی به صورت یک ردیف عضلانی
آنها به قدام زبان تبدیل می‌شود.

/čahor hæmxan, ?æsliye zæbane ček yæ?ni pe do
læbi, te dændani, tē kami ?æ ke næzm kami ke dær
didagahe sanna?ti ?æz næzare tolidi be sorate yek
radife xæti bedanbale hæm miayand be nezame zir
tæbdil mishævæd./

← این‌ها که می‌گویند واج بر روی زبان به حساب می‌آیند.

فعال گری ← فعالیت ← فعال ← فعل

p و غیر تیز به جای آرام عصبی قصبی

/Gæs'abi/ قصبی

/Gæs'abi/ قصبی

/?if/ → p خوانده نمی‌شود.

/ips/ → این دو تا کنار هم خوانده می‌شوند.

← CV(CC) ← ساختارها در زبان فارسی

نکته: می‌توانند که Consonant بعد از vake و بعد از Consonant هم می‌توانند در
کلمه بیایند.

/næsb/
CVCC

/tæxt/ /ba/ /dæst/
CVC CV CVCC

SEVAN Note book سوال: چرا تمام صوت‌ها در زبان فارسی در دو هجا تبدیل شده؟

Subject: IV Date:

واج /nb/ → [mb] → آوا

صدی nb → mb واج

/šænbe/ → [šænmbe]

/n/ → [m] / ___ /b/

محیط آوایی ← قبل از

* واج n تبدیل به آوای m شده است در محیط آوایی قبل از واج b

تمرین واجی:

هر کلمه دو واج دارد که با تغییر یکی از آن‌ها معنی کلمه عوض می‌شود مثلاً تاب و داب هم می‌شوند دو تفاوت سطحی دارند و با حذف یا اضافه کردن یک حرف (تشدید شمرده می‌شود) یک کلمه می‌شود. اشکال تغییرات که در زبان گفتار یا نگارش عوض واج‌ها رخ می‌دهد را می‌توان در قالب قواعدی نشان داد.

/ʤ/ → محدودیت هجایی

/zif/ ρ

ساخت هجا در زبان فارسی:

Coda (پایانه)

(C)V(CC) ← ساخت هجا در زبان فارسی

واکه ← هم خوان

vowel

dæst → C V C C

tær → C V C

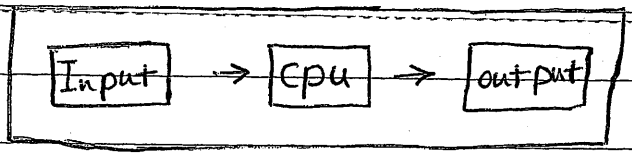
?æbr → C V C C

ba → C V

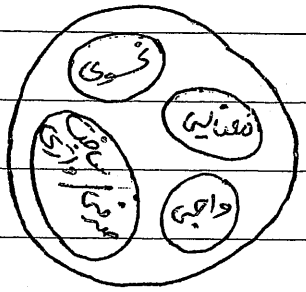
تب /tab/ ✗

/?ab/ ✓

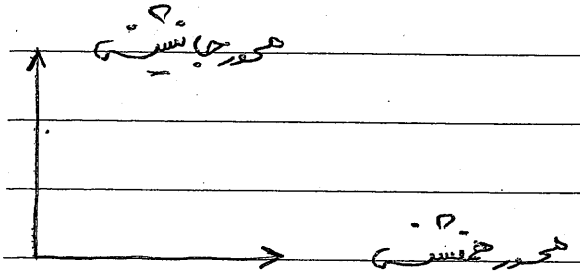
Notebook SEVAN




زبان تمامی ارتباط‌هاست.




واحد واجی خیلی به زبان واقعی نزدیک است.




* سومین فعالیت در زبان شناسی، (فرایند واجی) است که به جریان محور عمودی گفته می‌شود.

در گروه‌های واجی آوایی

در صحبت‌ها گاهی حروف حذف یا اضافه می‌شوند.

/nb/ → [mb] → آواهای واقعی

واج

مثلاً صدای [b] داشته باشیم و n قبل از آن بیاید چه تأثیری می‌گذارند؟

/šanbe/ → [šambe]

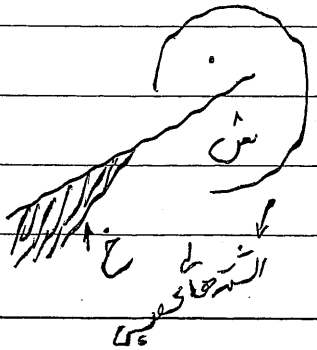
در صحبت‌های آوایی

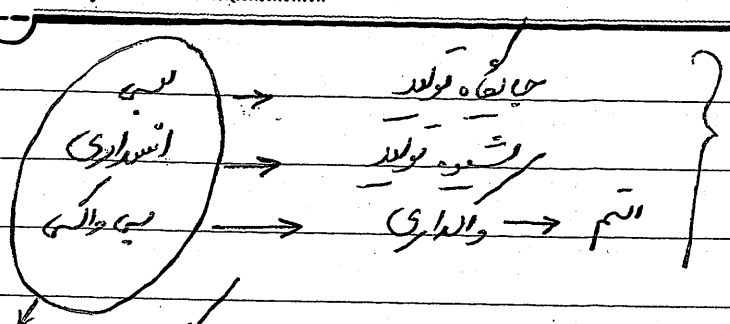
/nb/ → [mb]

واج

در صحبت‌های آوایی

مثل:






ویژگی های تمایز دهنده

* برای اطلاعات بیشتر به لینک زیر مراجعه کنید.
ارسطو مقوله بندی (مدل های زبانی در ذهن انسان)

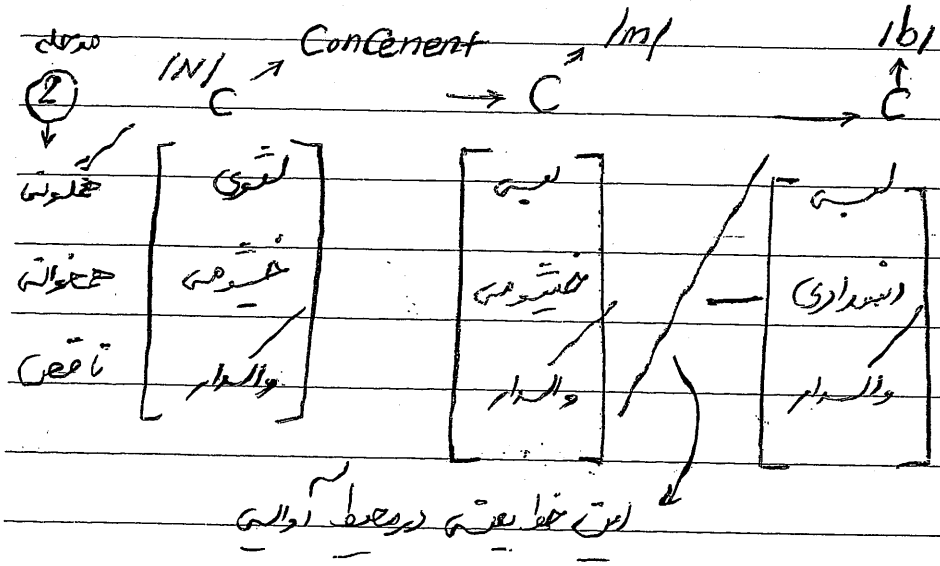
قرار گیرند و احیانا هنگامی که در واج در کنار هم قرار میگیرند بر یکدیگر اثر گذارند و معمولا هم شبیه می شوند، یا با هم تقابل ستری پیدا می کنند و با کمک تاکن حذف یا اضافه (صدای دال: س) شدن حذف می شوند، اینها نه تغییراتی که در واژه ها صورت یا در کنار هم قرار گرفتن واج ها خارج می دهد را می توان در قالب فرمولها و قواعدی نشان داد به طور نمونه مثل حذفی هجوالی ناقص

مرحله ۱

(۱) inl ⟶ [m] / ___ rbl

در محیط آوایی قبل از rbl

در محیط آوایی




این خط یعنی در محیط آوایی

Subject: ۱۶ Date:

هجایی هم خوانی:

مقعد صدیا مجتبی هجایی

مد صبا مرتبا مشتبی هجایی

- صامت‌ها واجهایی هستند که در زبان اتفاق می‌افتند که آن‌ها را به انواعی تقسیم می‌کنند.

پیشرونده: اثر همگونی هم‌خوانی در مثال بالا

در فرایند واجی رابینوسیدگی وقتی دو هم‌خوان در کنار یک‌دیگر قرار می‌گیرند ویژگی‌های آوایی آن‌ها به یک‌دیگر شبیه می‌شوند.

مثال همگونی هم‌خوانی کامل:

پسرو ←

/saed/ + /t.a/ → [saetta]

/d/ → [+] / ___ /t/

واج صدای واج

قبل از /t/

/tl/

C

C C

| | | |
|---|---|---|
| مشوی - دندانی | مشوی - دندانی | مشوی - دندانی |
| انسدادی | انسدادی | انسدادی |
| + واک | - واک | - واک |

2/

ناهمگونی هم‌خوان‌ها:

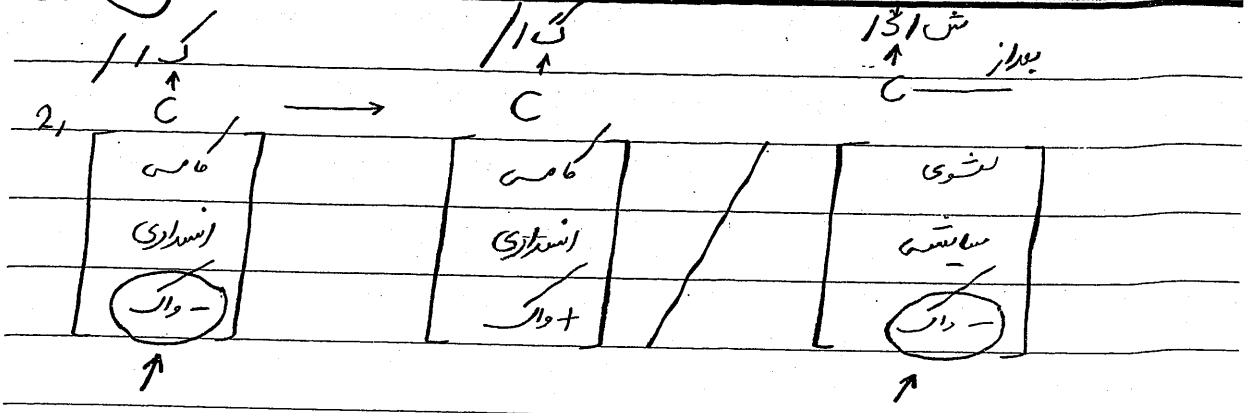
هنگامی که دو هم‌خوان مجاور هم‌گون نباشند یا ویژگی‌های آوایی تفاوت‌های بیشتری نسبت به هم پیدا می‌کنند ناهمگونی هم‌خوانی اتفاق افتاده است.

مثال: /laeškaer/ → [laešgaer] ناهمگونی پیشرو

/k/ → [g] / ___ /š/

در محیط آوای بعدی (ش)

Subject: ۷ Date:




تولید و درک زبان، در بافتی (تعادل، توازن) قرار می‌دهد.

مثال:

/maeš G/ → [maeš X]

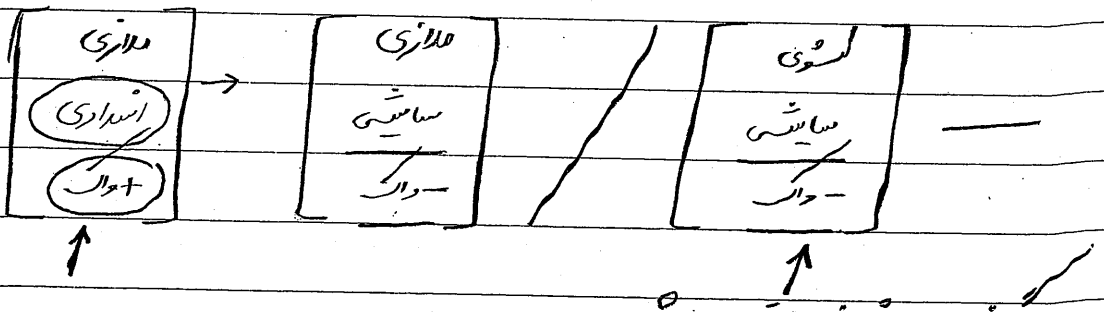
پیشرو

1, /G/ → [X] / _ ش

در محیط آوایی بعداز ش (ش)

بعداز ش

C ← /X/ غ C ← G ق




هم کونی، هم حرکتی ناقص پیشرو

Subject: ۲۲ Date:

بسته به ترتیب آن در زبان

همانند واژه‌ای 3 هجایی آوریم. واژه 2 هجایی وجود دارد و یک آرایه دیگری را هم شبیه به خود کلمه 3 هجایی برای ما دارد است.

مثال: /boro/ ← /be/ + /ro/ (C V1 C V2)

← پایه پرستاک اندرساز

2, CV1 + CV2 → CV2 CV2

مثال:

شلیم / شلیم / شلیم / شلیم

یعنی یکی از روش‌ها برای ساختن واژه‌های جدید استفاده از فرآیند درج یا addition اضافه یک هم خوان بین این دو تا (۲ تا) درج می‌شود.

اضافه درج در زبان فارسی هم گاه دو واژه که نا‌جور هستند جور می‌کند مانند:

x [xi] x ε (V V)

و قاعده اصلی CV است مثال:

sang (پایه) + (پیوند) i → /sangi/ → صفت

xane + i → /xanegi/ (پایه، پیوند) → اضافه می‌شود

هفتگانی به دو واکه هم برمی‌خورد به دلیل اینکه ساخت زبان فارسی اجازه نمی‌دهد دو واکه در کنار هم قرار گیرند یک هم خوان بین آن‌ها درج می‌شود. دو واکه میانی / میانه

(آ) pava + —i → /pavaGi/ یا /pavaQi/

rasta + —i → /rastaGi/ یا /rastaQi/

SEVAN Note-book

گاهی دو جزء که به هم می‌رسند یکی یا چند حرف حذف می‌شود مثل دسته + بند

فرآیند حذف: حذف یکی از آواها

گاهی دو جزء که به هم می‌رسند یکی از آواها موجب حذف دیگری می‌شود یا چند آوا معمولاً از روی قواعد تاریخی حذف می‌شوند مانند دسته + بند

فرآیند ملاز: هنگامی که دو واج یا آوا با یکدیگر کنار می‌شود اصطلاحاً فرآیند واجی ملاز رخ می‌دهد مانند خلاس خلاسی فعل ← خلاس گفته می‌شود

خلاسی که خلاس گفته می‌شود، گویند که کرست گفته می‌شود

فرآیند واکی رختی: مانند است + ای ← است گفته می‌شود [?aesb]

فرآیند ابدال: کاملاً تبدیل شده به یک چیز دیگر، مثلاً در زبان فارسی هرچیز می‌گوییم بسای و می‌گوییم بسا یا جزء تبدیل شده به جزء (تبدیل g به b)

besag → besab

تمام صرف یا ساخت واژه: در علم واژه‌ها یا کلمات هست.

ساخت واژه یا morphology: یا کلمات و واژه‌ها سروکار دارد.

تو ← واژه است.

* ـی /isaengi/ یا /binami/ فرق می‌کند

kaebab + -i

واحد صرفی در ساخت واژه، تکواژ است و تکواژ به کوچکترین واحد زبان گفته می‌شود که یا دارای معنی است و یا نقشی را در زبان برعهده دارد.

Subject: ۲۴ Date:

رفت ← ۳ تکواژ دارد: ۱ به معنای going ۲ تکواژ گذشته ساز ۳ سوم شخص مفرد

رفتم ← ۲ تکواژ

رفتیم، رفتند، گفتم، گفتند ← ۲ تکواژ

کلمه تکواژ نقش واژه را پیچیده دارد و کلمه عضو یک واژه است.

مهم‌ترین کار در حوزه‌ی ساخت واژی بررسی ساختمان درونی واژه و ساختاری واژه است.

صرف / ساخت واژه

mor: phology → morphom

lexcology → lexicography

فرهنگ‌سازی = فرهنگ نویسی

تکواژها را به انواعی تقسیم می‌کنند و آنها را در درون واژه‌ها مورد بازشناسی قرار می‌دهند.

خانه ← تکواژ آزاد

انواع تکواژه

تکواژ آزاد

morpheme → Free morpheme → خانه

morpheme → bound morpheme → ی

تکواژ وابسته / مقید

Free → Contentive یا محتوایی

Free → Functor یا نقشی

bound → derivational یا اشتقاقی

bound → inflectional یا تصریفی

- فرق دوم دسته‌ی کلمات: صحبت‌ها دارای معنی‌اند هستند اما نقشی دارای یک نقش دستوری در زبان هستند. مثلاً (از) و برای Functor هستند.

- فرق دوم دسته‌ی دوم: اشتقاقی‌ها معمولاً در واژه‌سازی از نوع نقشی می‌کند مثلاً (هند) با تکواژ اشتقاقی (ی) می‌شود و یک جدید اشتقاقی می‌سازد.
کار + گر → کارگر ، گفت + ار = گفتار → اشتقاقی

تکواژهای تصریفی: کارشان صرف کردن یا به‌ای است که به آن می‌چسبند.

حالا شاید تکواژهای تصریفی زبان فارسی، به‌ای شکل می‌دهند می‌توانیم آن‌ها را بر اساس جهت بگیریم. این تکواژها عبارت‌اند از:
الف) شناسه‌ی فعل: ام، ای، ⌀/ ید، یم، اند.
ب) پیشوندهای فعل: ب، ن، م ← -be, -mi, -ne, ...
ج) شناسه‌ی مصدر: ت: از مصدر در صفت ا ← صفت + ان ← قیدی برای افعال ← امرساز
د) شناسه‌ی ع: ها، ان ← -ha, -a, -an, ...
کتاب + ها ← کتاب‌ها
هـ) شناسه‌ی ۴: کره ← ی ← کتاب + ی ← کتابی

نمره /NOMRE/
Ro
۱، Reft+aen → تکواژ وابسته تصریفی
۲، Nae → تکواژ وابسته تصریفی
۳، (ی) تو (ی) → تکواژ وابسته تصریفی
۴، ⌀ → امرساز

Subject: ... Date: ...

/raveš/ روش ← رو + ش ← اسم

1 raftan → تکواژ آزاد محتوایی

خط فاصله یعنی مقید است

2, ‡ os → تکواژ وابسته اشتقاقی اسم ساز

/Ravand/ رو + ند ← روند ← اسم

Ro

1, Raftan → تکواژ آزاد محتوایی

2, __ and → تکواژ وابسته اشتقاقی

تردید ← ترفند

ترف + ند ← تردید (اسم)

دارم میروم خونه — پسر بچه ها / پسرهای رفتن حتم — میروم

دارم میروم — تکواژ آزاد محتوایی — دارم میروم

دارم — نقشی — تمام زنان

دارم — دستوری

کلمات شمارشی

واحد اسمی زبان

/pær/ ~ /bær/ p b

/±vd/

Subject: ۲۷ Date:

فرآیندهای واژه‌سازی: روش‌های واژه‌سازی:

۱* مهم‌ترین روش واژه‌سازی ابداع و وضع کردن است مثل:

پاستوریزه کردن ← ابداع (پیشنهاد) + ی + ه + ماله + مال + ه + اروپ + ی

۲ قرض‌گیری (اقتباس)

۳ ترکیب (دو یا چند واژه کوچک‌تر)

۴ اشتقاق: الحاق وندها به ستاک‌ها مثل:

۵ ترکیب اشتقاقی: ترکیب + اشتقاق

روش‌های اصلی واژه‌سازی:

۶ سرواژه‌سازی: (acronymy) مثل: حال همه این‌ها رو می‌دونن

SMS

تراجی، تلفاک (تلفن همراه)، برک (برگ تمرین)، اتاق (فرودگاه ارتش)

Subject: ۲۸ Date:

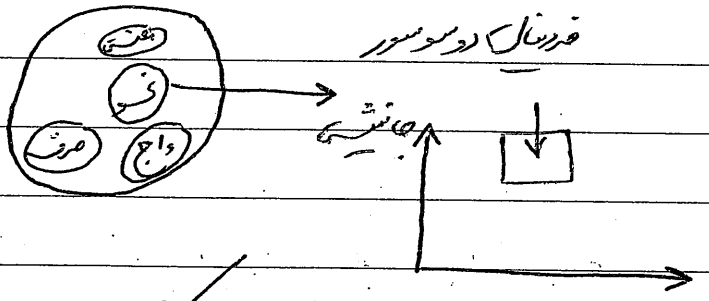
واژه‌ها اجزایی مثل: ریشه، پیشوند، پسوند، جدا از هم ← جدا از هم نیستند.

جداگانه اند ← واحدها

۱۸ میلیارد مثال: تک تک، کم کم، دوان دوان، پرواز پرواز، صدا به صدا، کشان کشان، کم کم کم کم، کلوخ انداز، سر به سر، شرمسار، نم نم، تق تق

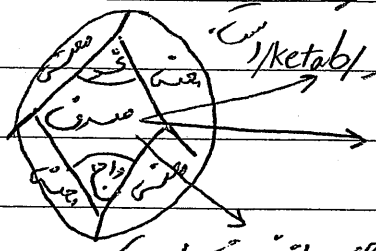
زبان عادی، عموماً از نوع پیوندی، البته کم کم دارد، صرف‌ها اول علم نیامد.

به لحاظ صرف، زبان‌های جهان به سه نوع تقسیم می‌شوند.




مدل نمودار

به لحاظ کمی، تعداد صرف‌ها در مقایسه با واژه‌ها بسیار کم است.




واحد مستقل (هندسه صرف) تکواژ /ketab/ است.

زیرحوزه‌ی صرف واژه‌هاست.

بخش چپی از ذهن را اشغال کرده.

/Gazsabi/

هر کدام از زمان‌ها یک تفسیر و معنا می‌شود.
هر زنده هشتی هم یک تفسیر و معنا می‌شود.

۱. تفسیر NSM ۳۶ تم را تشخیص کرده (تفسیرهای معنایی) و مابین ۳۶ تم چه معنایی را می‌توان معنی کرد.

۲. تفسیر توکیف‌های معنایی که تفسیر نامیدند مانند زمان، مکان، شی، حرکت، عواطف

۳. تفسیر بسیار مهم با رنگی که خورده است.

هری این تفسیرها سال می‌شود معنی جمله؟

تفسیرهای بری سال کنند معنی چیست؟ معنی را سال می‌کند؟ چگونه؟

سوال: در سطح تجزیه واحدی را بررسی می‌کنم؟ بازنمایی؟

معنی

در حوزه‌ی خیلی چه چیزی را بررسی می‌کنم؟ جملات، ما جملات را در حوزه‌ی خیلی بررسی می‌کنم
از واژه، جمله درست می‌شود.
در این حوزه می‌خواهیم بینیم جمله از چه ساخت درونی تشکیل شده است؟

تفسیر سال در سه سطح

در حوزه‌ی هشتی روها چگونه قرار گرفته‌اند؟

حوزه‌ی هشتی

Subject: ۳۵ Date:

واحدهای جمله هم نسبت خاصی با جمله دارند.

واحدهای سازنده جمله گروه‌های نحوی هستند (group / phrase)

گروه نحوی

آخر جمله نقطه دارد ← جمله

گروه نحوی ← چند کلمه می‌تواند از ۲ جمله تشکیل شده باشد.

* سوال امتحانی ← در مورد چه واحدی باید بررسی صحبتم؟ به تنهایی مثال؟

گروه‌های اسمی و گروه‌های فعلی

اجزای

معنی جمله از چه چیزی درست شده؟ به از چند تا سازنده است؟ گروه‌های نحوی است درست؟..

Ali ketab ra xarid

۱ اجزای سازنده.

* ۲ گروه نحوی جمله ← تشکیل شده

در حقیقت نحو است گروه‌های نحوی سازنده جمله را آشنا می‌کنیم و نشان می‌دهیم که این گروه‌های نحوی به چه ترتیبی (نحوی) کنار هم قرار می‌گیرند تا یک جمله درست را بسازند.

Subject: ۳۸ Date:

سوال *

گروه‌های نحوی را نام ببرید؟

1. Noun phrase /NP/ گروه اسمی /?asli/ /?u/
2. Verb phrase /VP/ گروه فعلی /xahaem raft/
3. Adj phrase /Adj p/ /xub/ /kheyli xub/
4. Adv phrase /Adv p/ گروه قیدی /dirooz/
5. preposition phrase /PP/ گروه حرف اضافه /dar madrese/
6. Tense phrase /TP/ گروه زمان /
7. Agreement phrase /Agr p/

* چند گروه اول برای یک معنای خاصی اند و بقیه برای نقش خاصی هستند.

Subject:..... Date:.....

قواعد ساخت گروهی

① $X' \longrightarrow$ space $X$

② $X \longrightarrow X\ (YP)$

واحدهای تشکیل دهنده جمله گروه‌های نحوی هستند که عبارتند از:

| | |
|---|---|
| گروه فعلی $VP$ | گروه اسمی $NP$ |
| گروه قیدی $AdvP$ | گروه صفتی $AdjP$ |
| گروه زمان $TP$ | گروه حرف اضافه $PP$ |
| | گروه مکانه $AgrP$ |

They speak English.

$S \rightarrow NP \quad VP$

دو اصل در حوضه‌ی نحو: ① هستایی بودن (headedness) و گرینه‌ی همه‌ی گروه‌های نحوی حتماً دارای یک هسته هستند. مثلاً گروه اسمی دارای یک هسته‌ی اسم است.

② دوشاخه‌ای بودن گروه‌های نحوی (binarity): هر گروه نحوی فقط به دو جزء تقسیم